

شده است و زمان کشش آن را زیر هر حرف به صورت عدد افزوده اند (ص ۴-۵، جم).

ناگفته نماند که در میان اسامی آهنگهایی که در ادوار سلطانی ذکر شده است، نمونه‌های قابل تردیدی وجود دارد که باید حمل بر عدم دقت ناسخ در کتابت کرد.

مأخذ: ادوار سلطانی، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکز؛ برهان قاطع، محمدحسین بن خلف تبریزی، به کوشش محمد معین، تهران، ۱۳۵۷ ش؛ دانش‌پژوه، محدثی، «ادوار سلطانی»، هنر و مردم، تهران، ۱۳۵۵-۱۳۵۶ ش، شه ۱۷۳-۱۷۴؛ صفی‌الدین ارموی، الادوار، نسخه خطی شه ۵۸۶ کتابخانه دانشکده الهیات مشهد؛ هو، همان، به کوشش غطاس عبدالملک خشیبه و محمود احمد جفنی، قاهره، ۱۹۸۶ م؛ مراغی، عبدالقادر، جامع الالحن، به کوشش تقی ینش، تهران، ۱۳۶۶ ش؛ هو، شرح ادوار، به کوشش تقی ینش، تهران، ۱۳۷۰ ش.

آدویه، نک: داروشناسی.
آدھم، خلیل، نک: الدم.

آدھم، میرزا ابراهیم (د ۱۰۶۰/ق/۱۶۵۰م)، فرزند میرزا محمد رضی آرمیانی، از شرعای شیعه مذهب و قلندروش عصر صفویه. او در آرمیمان توسرکان به دنیا آمد (صدیق حسن خان، ۴۱؛ پارسا، ۶۴۷). با توجه به درگذشت وی (۱۰۶۰ ق) و اینکه در هنگام مرگ ۴۰ سال داشت (گلچین معانی، ۷۷)، می‌توان گفت که در حدود سال ۱۰۲۰/ق/۱۶۱۱م زاده شده است. آدھم در خانواده‌ای اهل شعر و ادب پرورش یافت، پدر وی میر محمد رضی از شاعران صوفی مشرب بود که در اصفهان به جمع میرزایان دفتر شاه عباس اول درآمد و سپس با زنی از خاندان صفوی ازدواج کرد؛ از این روی میرزا ابراهیم آدھم از جانب مادر صفوی بود (نک: آزادبلگرامی، ۸۴؛ سیدعلی حسن خان، ۱۷۹؛ صفا، ۵/۲/۱۰۶۹-۱۰۷۰).

از تحصیلات او اطلاع چندانی در دست نیست، جز آنکه چندی نزد میر محمد باقر داماد استرآبادی اصفهانی شاگردی کرد (گلچین معانی، همانجا) و سپس رهسپار هند شد و به پایمردی حکیم داوود، معروف به تقرب خان، از امرای عهد شاه جهان، به دربار راه یافت (نصرآبادی، ۳۵۹؛ آزاد بلگرامی، همانجا؛ آرزو، ۱۲۱) و با یکی از نوادگان شاه ازدواج کرد (آفتاب رای، ۴۸/۱؛ گلچین معانی، ۷۹)، اما به سبب ارتکاب مناهی و حرکات ناشایست، منزلت خویش را از دست داد و به زندان افتاد (نصرآبادی، آرزو، آزاد بلگرامی، همانجاها؛ سرخوش، ۳) و سرانجام در شاه جهان آباد (دهلی) درگذشت (آزاد بلگرامی، همانجا؛ عبدالغنی، ۱۱)، یا به روایتی دیگر کشته شد (کشن چند، ۱۲).

اشعار میرزا ابراهیم به سبک پیشینیان و مشحون از ابهام و تمثیل است (سرخوش، آزاد بلگرامی، کشن چند، همانجاها؛ گلچین معانی، ۷۷). به نظر می‌رسد که وی در روزگار خود از شهرتی برخوردار بوده،

مؤلف ادوار سلطانی در نامیدن اثر خود به این عنوان ظاهراً به کتاب الادوار صفی‌الدین ارموی نظر داشته است، ولی واژه «ادوار» را با تحولی در معنی به کار برده است. صفی‌الدین ارموی چنانکه در کتاب الادوار توضیح داده است، ادوار^۱ را به دور یا دورهایی که از ترکیب انواع هفتگانه ذی الاربع (چهارگان^۲) یا طبقه اول (نک: مراغی، شرح ادوار، ۱۵۵) و اقسام دوازده گانه ذی‌الخمس (پنجگان^۳) یا طبقه دوم (همان، ۱۵۶) به دست می‌آید، اطلاق کرده است. در نتیجه شماره ادوار از نظر صفی‌الدین ارموی بالغ بر $7 \times 12 = 84$ می‌شده است (چ قاهره، ۱۴۷) که به قول عبدالقادر مراغی در اصل ذی‌الخمسها ۱۳ قسم بود که صاحب ادوار قسم سیزدهم را نانوخته و خالی گذاشته بوده، و عبدالقادر کامل کرده است (همان، ۱۵۷، ۱۷۷).

صفی‌الدین ارموی با دقت شایان تحسینی ساختار نغمگی این اقسام هشتاد و چهارگانه را شرح داده، و برای اینکه مفهوم موسیقایی آنها محسوس‌تر شود، هر کدام را به صورت دایره‌ای نشان داده است (خطی، ۱۶-۱۹) که عبدالقادر مراغی بعد از او یک جا با جداول پنجگانه و جای دیگر با هفت دایره (همان، ۱۶۸-۱۷۳) نشان داده است. دو اصطلاح «دایره‌دور» که به ترتیب به دوائر و ادوار جمع می‌سته‌اند، تقریباً همان گام^۴ است، زیرا گام هم عبارت از نت‌هایی است که به توالی یکدیگر می‌آید و چون حلقه‌ای به هم می‌پیوندند. پس بدین ترتیب واژه ادوار در نام این رساله با توسع در معنی به کار رفته است و در حقیقت باید آن را به مفهوم آهنگها گرفت. واژه سلطانی هم ظاهراً معنی درباری دارد و بر روی هم ادوار سلطانی آهنگهای سلطنتی^۵ بوده‌اند که در دربار عثمانی اجرا می‌شده است؛ مانند خسروانیهایی که به بارید موسیقی‌دان دوره ساسانی و معاصر خسرو و ریز نسبت می‌دهند.

با آنکه میان نسخه‌های ادوار سلطانی اختلاف بسیاری وجود دارد، این کتاب نمودار پیوند موسیقی ایران و عثمانی (ترک) است و از این حیث مأخذ قابل استفاده و شایان توجهی محسوب می‌شود. به عنوان مثال ادوار سلطانی نشان می‌دهد که بر اثر داد و ستد فرهنگی چگونه موسیقی سنتی ایران در موسیقی ترک نفوذ کرده است، چنانکه: عمل، ثقیل، خفیف، تصنیف، راست، عراق، دوگاه، رهاوی، سلمک، گردانیه، بسته نگار، بزرگ، نشابورک، نهفت، سبز اندر سبز، حسینی، مبرقع، نوا، عشاق و شمار بسیار دیگری اصطلاح موسیقی ایرانی در آن دیده می‌شود (نک: دانش‌پژوه، ۱۹)؛ مخصوصاً سبز اندر سبز یادآور یکی از آهنگهای باستانی منسوب به بارید موسیقی‌دان مشهور دوره ساسانی است که آن را لحن نهم از سی لحن بارید ذکر کرده‌اند (برهان قاطع، ۱۰۸۱، ۱۲۰۷-۱۲۰۸) و رواج آن تا زمان تألیف یا تحریر نسخه ادوار سلطانی بسیار جالب توجه است.

در این کتاب «نغمه پردازی» یا «نت نویسی» به روش کهن ایرانی به کار رفته است. بدین ترتیب که نام هر نت بر حسب حروف ابجد نوشته

(رازی، ۲/۴۷۶). گفته‌اند که در مذهب تشیع تعصب بسیار داشت (خلیل، کاشانی، همانجا).

ادهم غالباً در سیر و سفر بود و بیشتر روزگار خود را در بغداد و تبریز سپری کرد (آذر، همانجا). در تبریز دل به جوانی باخت و سرانجام به دست او کشته شد (آذر، همانجا، زنوزی، ۲/۷۹۰).

ادهم اگر چه در سرودن شعر در قالبهای مختلف به ویژه غزل توانا بود (سام میرزا، ۲۴۵)، اما بیشتر اشعار وی در قالب رباعی است (نفیسی، ۴۴۷/۱). نسخه‌ای از دیوان اشعار او در کتابخانه بنیاد خاور شناسی فرهنگستان تفلیس موجود است (دانش پژوه، ۱۸۰).

مآخذ: آذر بیگدلی، لطفعلی، آتشکده، بمبئی، ۱۲۷۷ق؛ خلیل، علی ابراهیم خان، صفح ابراهیم، به کوشش عابد رضا بیدار، پته، ۱۹۸۱م؛ دانش پژوه، محمدتقی، نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی، تهران، ۱۳۵۸ش؛ رازی، امین احمد، هفت اقلیم، به کوشش جواد فاضل، تهران، ۱۳۴۰ش؛ زنوزی، محمد حسن، ریاض الجنّة، نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز، شه ۳۵۷۸؛ سام میرزا صفوی، تحفه سامی، به کوشش رکن الدین همایون فرخ، تهران، ۱۳۲۷ش؛ کاشانی، تقی‌الدین، خلاصة الاسعار وزبدة الانکار، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورا، شه ۳۳۴؛ نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، ۱۳۴۴ش. کامران کسانی

ادیب اَحمَد یوکنکی (سده ۶ق/۱۲م)، فرزند محمود از نخستین شاعران بنام و برجسته ادبیات ترک - اسلامی.

دانسته‌های ما درباره زندگی ادیب احمد اندک و محدود به آگاهی‌هایی است که از تنها اثر برجای مانده‌اش هبة الحقائق (یا عتبة الحقائق، یا عیبة الحقائق) و نیز ۳ پیوست آن به دست می‌آید. ادیب احمد در یوکنک (محلی احتمالاً در سمرقند یا جنوب تاشکند) زاده شد (نک: ارسلان، ۲/۵۴؛ بانارلی، ۲۴۳؛ «آثار...»، ۱۵۹-۱۵۸؛ درباره یوکنک، نک: سمعانی، ۱۳/۵۳۳-۵۳۴؛ سیوطی، ۱۸۷؛ کوالسکی، ۴۵۶؛ یاقوت، ۴/۱۰۴۴). گویند ادیب احمد از هنگام تولد نابینا بود، با این حال فارسی و عربی را فراگرفت و از تفسیر، حدیث و سایر علوم و معارف اسلامی بهره کافی یافت و به سرودن اشعار پندآمیز و به گفته خود او «مواعظ» روی آورد. بعدها برخی از ابیات او مثل سائر شد (نک: بانارلی، ۲۴۳-۲۴۱؛ علیشیر، ۳۹۱)، روشن نیست که ادیب احمد نزد چه کسانی به تحصیل زبان فارسی و عربی و معارف اسلامی پرداخته است. گفته‌اند که ابوحنیفه استاد وی بوده است؛ اما با توجه به اینکه ابوحنیفه در ۱۵۰ق در گذشته است، این سخن درست نیست (نک: کوپرلی زاده، ۲۵۶-۲۵۷؛ بانارلی، همانجا).

منظومه هبة الحقائق پس از قوتادقو بیلیگ^۲ (تألیف: ۴۶۲ق/۱۰۷۰م) اثر یوسف خاص حاجب، کهن‌ترین اثر ادبیات ترک - اسلامی به شمار می‌آید («دائرة المعارف...»، ۵۰/IV)، نام این اثر را به اختلاف هبة الحقائق (نجیب عاصم، ۹؛ فورشرانف، ۲۰)، عیبة الحقائق (کوپرلی زاده، ۲۵۵) و عتبة الحقائق (تمیر، ۲۶۷؛ «دائرة المعارف...»)

زیرا صائب تبریزی (د ۱۰۸۱ق) یکی از اشعار او را در یکی از غزلهای خویش تضمین کرده است (آزاد بلگرامی، همانجا؛ صدیق حسن خان، همانجا).

ادهم ابیاتی در ستایش خاندان عصمت سروده است (نک: نصرآبادی، ۳۵۹؛ گلچین معانی، ۸۰، ۸۲، ۸۹). گفته شده که وی دیوان مختصری داشته است (آزادبلگرامی، ۷۸)، برخی شمار اشعار وی را ۵ هزار (صدیق حسن خان، همانجا) و برخی دیگر چون صاحب قصص الخاقانی بیش از ۱۰ هزار بیت دانسته‌اند (گلچین معانی، ۷۸). به نظر می‌رسد نسخه‌ای که با عنوان دیوان ابراهیم ادهم در کتابخانه‌ها موجود است (نک: منزوی، خطی، ۳/۲۲۲؛ نوشاهی، ۴۷۲)، متعلق به ادهم دیگری است (نک: منزوی، خطی مشترک، ۷/۹۳۵-۹۳۶).

گلچین معانی، «ساقی نامه» وی را که احتمالاً بخشی از دیوان او بوده، در تذکره پیمانه به چاپ رسانده است (ص ۸۱-۹۰). این «ساقی نامه» که مشتمل بر قریب ۲۳۰ بیت است، در شیوایی و استواری و شهرت به مرتبه ساقی نامه پدرش نمی‌رسد. گلچین معانی یک مثنوی در تتبع مخزن الاسرار و مثنوی دیگری با عنوان رفیق السالکین نیز به وی نسبت داده است (ص ۷۸). از آنجا که این دو مثنوی در نسخه خطی دیوانی آمده (نک: منزوی، همانجا) که احتمالاً سراینده آن کسی دیگر است، در انتساب این مثنوی نیز به وی می‌توان تردید کرد.

برخی نیز از هار گلشن یا درة التاج را از میرزا ابراهیم ادهم دانسته‌اند (نک: دانش پژوه، ۱۲۱/۴؛ مرکزی، ۳۸۳۹/۱۴)، اما این منظومه نیز از آن کسی دیگر به نام ابراهیم بردعی تبریزی هیتی گلشنی متوفای ۹۴۰ق است (شورا، ۸/۳۱۷).

مآخذ: آرزو، علی، مجمع التفانی، به کوشش زیب النساء سلطان علی، تهران، ۱۳۵۶ش؛ آزاد بلگرامی، غلام علی، مآثر الکرام (سرآزاد)، به کوشش عبدالله خان، لاهور، ۱۹۱۳م؛ آفتاب رای لکهنوی، ریاض المارقین، به کوشش حسام الدین راشدی، ۱۳۹۶ق/۱۹۷۷م؛ پارسا، عبدالرحمان، ارمغان، ۱۳۱۷ش، ص ۱۹، شه ۱۰-۱؛ دانش پژوه، محمد تقی و ایرج افشار، «ازهار گلشن»، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه‌های خطی، تهران، ۱۳۲۴ش؛ سرخوش، کلمات الشعراء، به کوشش صادق علی دلاوری، لاهور، ۱۹۴۲م؛ سیدعلی حسن خان، صبح گلشن، کلکته، ۱۲۹۵ق؛ شورا، خطی؛ صدیق حسن خان، محمد، شمع انجمن، بهیوال، ۱۲۹۳ق؛ صفاء، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، ۱۳۶۴ش؛ عبدالنئی، محمد، تذکرة الشعراء، به کوشش محمد مقتدی خان شروانی، علی‌گه، ۱۹۱۶م؛ کنن‌چند، اخلاص، همیشه بهار، به کوشش وحید قریشی، کراچی، انجمن ترقی اردو؛ گلچین معانی، احمد، تذکره پیمانه، مشهد، ۱۳۵۹ش؛ مرکزی، خطی؛ منزوی، خطی؛ همو، خطی مشترک؛ نصرآبادی، محمد طاهر، تذکره، تهران، ۱۳۱۷ش؛ نوشاهی، عارف، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، راولپندی، ۱۳۵۰ش.

آدهم کاشانی، میرزا ابراهیم (م ۱۵۶۲ق/۱۵۶۹م)، شاعر شیعی مذهب، موطن او کاشان است (خلیل، ۷؛ آذر، ۲۴۳). از تاریخ ولادت او آگاهی در دست نیست. وی دانشهای رایج زمان خویش را آموخت و محضر بسیاری از شاعران و دانشمندان هم عصرش را دریافت (خلیل، همانجا؛ کاشانی، ۲۷۳/۸). افزون بر این، در شطرنج نیز مهارت داشت